

اجلاس سران اوپک: فرصت‌ها و تصمیم‌ها

محمدباقر حشمت‌زاده



(از راست به چپ) دکتر ریلوانو لقمان دبیر کل اوپک، عبدالله بن حمد العتیبه وزیر انرژی قطر و علی فطوری رئیس هیأت مدیره در یکی از جلسات اوپک

بخش ۱- مقدمات و تحولات

در روزهای آخر آبان ماه ۱۳۷۸، آقای علی رودریگز، وزیر نفت ونزوئلا، دعوت‌نامه ریاست جمهوری آن کشور را برای شرکت آقای خاتمی در اجلاس سران اوپک در سپتامبر ۲۰۰۰ تسلیم ایشان نمود. این اجلاس فرصت مناسبی برای ایران و اوپک می‌باشد و برای بهره‌برداری از این موقعیت، لازم است مروری گذرا به سابقه اوپک و اجلاس سران آن داشته باشیم.

۱- سابقه اوپک

اوپک یا سازمان کشورهای صادرکننده نفت، چهل است پیش در سپتامبر ۱۹۶۰ در جریان نشست در بغداد به وسیله کشورهای ایران، عراق، کویت، عربستان و ونزوئلا تأسیس شد که هدف آنها، جلوگیری از کاهش بهای نفت و هماهنگی سیاست‌های نفتی میان اعضا بود. در

آغاز دهه ۱۹۷۰ و با پیش آمدن بحران انرژی، این سازمان قدرتمندتر شد و اخبار آن در صدر گزارش‌های خبری جهان قرار گرفت. نفت که پس از جنگ جهانی دوم همواره بهایی بالنسبه ثابت داشت و حتی به آهستگی روندی نزولی داشت، بر اثر عوارض ناشی از بحران انرژی و اقدامات اوپک، طی چند سال از بشکه‌ای کمتر از ۲ دلار به بشکه‌ای بیش از ۱۱ دلار رسید، این افزایش قیمت به اضافه افزایش تولید و مصرف، درآمدی افسانه‌ای برای کشورهای عضو اوپک فراهم نمود. برای مثال، درآمد ایران که در دهه ۴۰ شمسی مجموعاً کمتر از ده میلیارد دلار بود، در فاصله سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ مجموعاً به بیش از یکصد میلیارد دلار بالغ شد. عطش روزافزون جهان صنعتی برای واردات و مصرف نفت به اضافه درآمد هنگفت اعضای اوپک که همگی از جهان سوم و عمدتاً از جهان اسلام بودند، این باور را ایجاد کرد که یک بلوک قدرت جدید در جهان در حال شکل‌گیری است.

۲- نخستین اجلاس سران

تشکیل نخستین اجلاس سران اوپک در مارس ۱۹۷۵ در الجزایر بر زمینه‌های مزبور مبنی بود. در رابطه با این اجلاس، چند نتیجه و نکته قابل توجه است:

۱- نطق‌های سران نوعاً آرمانی و بلند پروازانه بود.

۲- در حاشیه همین اجلاس و با پادر میانی بومدین رئیس جمهوری وقت الجزایر، شاه و صدام حسین ملاقات کرده و زمینه برای حل اختلافات حاد و چند ساله دو کشور فراهم شد که این امر به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر معروف گردید.

۳- صندوق اوپک برای کمک به کشورهای در حال توسعه تأسیس شد.

۳- اجلاس سران اوپک و قرارداد ایران و عراق

شاه رسماً با غرب هم‌پیمان بود و عراق نیز با

شوروی روابط بسیار نزدیک داشت و طی چند سده اخیر اختلافات مرزی ایران با عثمانی و سپس با عراق نوعاً با حضور قدرت‌های بزرگ حل و فصل شده بود. بنابراین، حل و فصل اختلافات حاد و عمیق دو کشور بدون حضور قدرت‌های بزرگ و در یک اجلاس جهان‌سومی می‌توانست نشانه قدرت و کارآمدی سازمان اوپک در زمینه‌های سیاسی باشد. طبعاً چنین کارایی و ظرفیتی نمی‌توانست خوشایند نظام دوقطبی و قدرت‌های بزرگ باشد. تنها سه هفته پس از کنفرانس سران اوپک، ملک فیصل پادشاه وقت عربستان سعودی به دست برادرزاده‌اش که به تازگی از آمریکا برگشته بود، کشته شد و در پایان سال ۱۹۷۵ نیز گروه کارلوس به اجلاس وزیران در محل دبیرخانه اوپک در وین حمله کرده و آنها را به گروگان گرفتند. این امور می‌توانست موجب تضعیف و تشتت اوپک شود.

۴- انقلاب اسلامی و اوپک

شروع انقلاب اسلامی ایران و تحریم صادرات نفتی و اعتصابات صنعت نفت در حمایت از انقلاب و سقوط شاه، زمینه را برای دومین شوک نفتی و بازایی قدرت اوپک فراهم کرد و قیمت رسمی نفت اوپک در طی یک سال از حدود ۱۳ دلار به ۳۷ دلار رسید و در بازار آزاد تا بشکه‌ای ۴۵ دلار معامله شد. نقش نفت در مقولات سیاسی مهمی چون سقوط شاه و تهدید حامیان خارجی او دو سناریو را برای آینده محتمل می‌ساخت:

۱- امواج انقلاب اسلامی همچون بازی «دومینو»، نفوذ همه دولت‌های سلطه‌گر را در کشورهای مسلمان و نفتی فروخواهد ریخت و کنترل تولید و صادرات نفت این منطقه استراتژیک را به عنوان یک سلاح سیاسی در دست دولت انقلابی ایران قرار خواهد داد و این کشور از این اهرم برای صدور انقلاب به مناطق دورتر استفاده خواهد کرد.

۲- دولت جدید ایران تبدیل به قدرت اول اوپک شده و از آن طریق سیاست‌های انقلابی خود را به دیگر اعضا و جهان تحمیل خواهد کرد.

۵- اوپک و جنگ ایران و عراق

حمله عراق به ایران و جنگ هشت ساله می‌توانست مانعی برای تحقق سناریوهای مزبور باشد. دولت عراق از همان ابتدا، پیروزی انقلاب

خلیج فارس را به دست آورد. موضع‌گیری‌های سیاسی علیه ایران، ارتباط با گروه‌های معارض، خرابکاری در تأسیسات نفتی، عملیات ایدایی نظامی در هوا، دریا و زمین، اخراج ده‌ها هزار نفر به ایران، از جمله اقداماتی بود که توسط دولت عراق در آن سال‌ها صورت گرفت و مشکلات شدیدی برای استقرار دولت نوپای نوین فراهم کرد.

۶- حمله عراق به ایران و لغو دومین سران اجلاس

در چنین اوضاعی بود که زمزمه برپایی دومین اجلاس سران اوپک به مناسبت بیستمین سال تأسیس این سازمان آغاز شد. قرار بر این بود که این اجلاس در سپتامبر ۱۹۸۰ در بغداد تشکیل شود. دولت‌مردان جمهوری اسلامی امیدوار بودند همانند اجلاس اول، بتوانند از محمل اجلاس دوم استفاده کرده و از طریق دیپلماسی و گفتگو، اختلافات را حل کرده و مانع توسعه تنش‌ها شوند. اما در سپتامبر ۱۹۸۰، عراق به ایران حمله کرد و این آغاز یک جنگ هشت ساله بین دو عضو مؤسس و مؤثر اوپک بود در همان ماه‌های اول، نیروهای عراق مناطق عمده نفتی ایران را در تیررس قرار دادند. نفت در واقع جزو اولین و وسیع‌ترین و مستمرترین اهداف عملیات عراقی‌ها بود. وزیر نفت وقت ایران نیز در جریان بازدید از پالایشگاه آبادان به اسارت درآمد. حمله عراق به ایران از لحاظ مسائل مربوط به نفت می‌توانست دارای اهداف و انگیزه‌ها و نتایجی باشد:

۱- محروم کردن ایران از امکانات نفتی به عنوان مهم‌ترین منبع قدرت و درآمد، و حصر و تحدید انقلاب اسلامی.

۲- ایجاد تنش در بین اعضا و تضعیف آن و جلوگیری از سلطه ایران بر اوپک.

با خاتمه جنگ ایران و عراق در تابستان ۱۹۸۸، عملاً زمینه برای همگرایی اوپک و قدرت‌یابی مجدد آن فراهم شد و تا حدودی این سازمان توانست بر دو اهرم عمده قدرت خود یعنی:

قیمت و تولید نفت، کنترل نسبی اعمال نماید.

۷- خاتمه جنگ ایران و عراق و ثبات مجدد اوپک

در این زمان به طور توأمان، دو راهبرد و خط‌مشی شمال و سازنده در اوپک در حال

نیاز حیاتی کشورهای غربی به نفت و نیاز جهان سوم به سرمایه و تکنولوژی غرب می‌تواند از محورهای مهم گفتگوی تمدن‌ها باشد

را به عنوان یک فرصت و تهدید تلقی کرده و اعمالی را انجام داد که در راستای نقض قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بود.

به طور طبیعی انقلاب اسلامی ایران از دید دولت عراق یک تهدید بود. چرا؟

۱- رهبر انقلاب اسلامی سال‌ها در نجف در تبعید بود و به عنوان یک مرجع تقلید شیعه مورد احترام شیعیان و مسلمانان عراق بود.

۲- دولت عراق در حمایت از شاه، امام خمینی (ره) را در مهرماه ۱۹۵۷ از آن کشور اخراج کرده بود.

۳- مزار امامان بزرگ شیعه در عراق قرار داشت.

۴- اکثریت جمعیت عراق شیعه بودند و تقریباً سهمی از ساختار قدرت نداشتند. با این زمینه‌ها، دولت عراق اولین و طبیعی‌ترین ایستگاه صدور انقلاب تلقی می‌شد. انقلاب ایران برای دولت عراق یک فرصت بود زیرا:

- دولت جدید ایران از همه پیمان‌های غربی خارج شده بود، بنابراین همچون زمان شاه حمایت عرب را به همراه نداشت.

- دولت جدید، شرق و غرب را به چالش طلبیده بود، بنابراین عراق می‌توانست از حمایت هر دو ابرقدرت موجود برخوردار شود.

- ایران در حال گذران دوران بحران بود و نظام سیاسی و دفاعی منسجمی نداشت و به شدت آسیب‌پذیر بود.

- صدام خود را در جریان قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر مغبون می‌دید و درصدد جبران مساوات بود.

- صدام می‌خواست از خلأ قدرت ایران استفاده کرده و رهبری جهان عرب و ژاندارسی

شکل‌گیری بود:

۱- گفتگو و هماهنگی اوپک و تولیدکنندگان غیراوپک.

۲- گفتگوی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان. اجرا و تحقق راهبردهای مزبور، ضمن حفظ قدرت و انسجام اوپک می‌توانست رابطه سازنده متقابل و با ثباتی بین تولیدکنندگان نفت، که از جهان سوم بودند، و مصرف‌کنندگان عمده نفت، که از کشورهای قدرتمند صنعتی هستند، به وجود آورده و در حد خود به صلح و توسعه جهانی کمک کند.

۸- اجلاس سران و حمله عراق به کویت

در چنین شرایطی، مجدداً اقداماتی برای برپایی دومین اجلاس سران در سپتامبر ۱۹۹۰ و به مناسبت سی‌امین سال تأسیس اوپک صورت گرفت و این امر مقارن با اوج‌گیری اقدامات عراق علیه کویت بود. عراق مدعی بود که کویت، اولاً با تخلف از سهمیه‌های اوپک و افزایش عرضه، موجب سقوط قیمت‌ها شده و این امر بازسازی ویرانه‌های ناشی از جنگ ۸ ساله را با مشکل روبرو می‌سازد. ثانیاً، کویت در طول جنگ ایران و عراق از حوزه مشترک نفت یرومیله بیش از اندازه برداشت کرده است. کویت نیز می‌توانست امیدوار باشد که اختلافات و تهدیدات عراق را در جریان اجلاس سران اوپک حل کند. اما عراق این بار نیز سناریوی ۱۹۸۰ را تکرار و در اوت ۱۹۹۰ به کویت حمله کرد و آن را اشغال نمود.

مجموعه این دو کشور در این زمان، بیش از ۲۰ درصد از ذخایر جهانی نفت را در اختیار داشته و قریب ۵ میلیون بشکه ظرفیت تولید داشتند. با چنین گروگان و اهرمی، عراقی‌ها تصور می‌کردند که آمریکا با آنها پای میز مذاکره نشسته و آنچه را که از حمله به ایران به دست نیاورده بلکه از دست داده‌اند، کسب خواهند کرد. اما آمریکا با بسیج بیش از ۲۷ کشور و اعزام قریب پانصد هزار نیرو در کمتر از سه ماه و در اختیار داشتن اهرم سازمان ملل و با دستاویز باز کردن شاه‌رگ نفتی جهان به عراق حمله کرده، این عملیات در رسانه‌ها و اخبار به نام «جنگ نفت خلیج فارس» معروف شد. اهداف و نتایجی برای این جنگ قابل توجه است:

۱- انزوا و تضعیف اوپک و اعضای آن در جهان نفت و سیاست.

۲- آمریکا از طریق سازمان ملل متحد مدت ده سال است که به عنوان تحریم، کنترل تولید نفت عراق را در دست دارد.

بخش ۲- اجلاس سران اوپک و سر فصل‌هایی برای تحقیق، تبلیغ و تصمیم‌گیری

با چنین زمینه‌ها و شرایطی است که اینک برای سومین بار مقدمات برپایی دومین اجلاس سران اوپک فراهم شده است و حضور ریاست جمهوری اسلامی ایران می‌تواند فرصت‌ها و دستاوردهایی داشته باشد:

۱- نفت و گفتگوی تمدنها

تمدن نوین غربی عمده‌تاً مبتنی بر کاربرد علوم و فنون جدید است. خیز اول این تمدن در نیمه دوم قرن نوزدهم به زغال‌سنگ و ماشین بخار استوار بود و خیز دوم این تمدن در قرن بیستم اساساً بر نفت و موتورهای درون‌سوز مبتنی شده است. بنابراین، قدرت، رشد، توسعه و رفاه جامعه و تمدن غربی به طور اساسی مدیون نفت بوده که عمده آن در کشورهای اوپک تولید گردیده و سپس صادر می‌شود. پس این کشورها نیز حق دارند سهم شایسته‌ای از رفاه، رشد و توسعه داشته باشند.

تحلیل‌ها و تحقیقات اقتصادی و علمی نشان می‌دهد که هر درصدی از رشد اقتصادی، مستلزم ۰/۵ تا ۱/۵ درصد رشد مصرف نفت می‌باشد و این مقیاس، شدت وابستگی رشد و توسعه اقتصادی را که مهم‌ترین شاخص تمدن غربی است، به نفت نشان می‌دهد. پس، نیاز حیاتی تمدن غربی به نفت و نیاز کشورهای نفت‌خیز اوپک و جهان سوم و جهان اسلام به سرمایه و تکنولوژی غرب می‌تواند از محورهای مهم گفتگوی تمدنها و تضمین رشد و رفاه و صلح برای همه جهان باشد.

۲- قلب انرژی جهان: ایران

کشورهای عضو اوپک قریب ۸۰ درصد ذخایر شناخته شده جهان و قریب ۴۵ درصد ظرفیت تولید و ۳۳ درصد تولید بالفعل و حدود ۷۰ درصد صادرات و بازرگانی نفت‌خام را دارا هستند. به این ترتیب اوپک، قلب انرژی جهان است و سلامت و نیش مداوم این قلب ضامن سلامت اقتصاد جهان است. لذا دنیا باید بهای شایسته این موقعیت را به اوپک بپردازد. به عبارت دیگر، امروزه مرکز نفت جهان منطقه‌ای است از خزر تا خلیج فارس با

درآمدهای نفتی

مهم‌ترین فرصت

برای توسعه اقتصادی

کشورهای نفت‌خیز بود

و اهداف مشترک نفتی می‌توانست

از مهم‌ترین زمینه‌های همگرایی

این کشورها باشد

۳- کویت، عربستان، امارات، بحرین و قطر به چشم ناجی به آمریکا می‌نگرند و سطح روابط و قراردادهای سیاسی و نظامی، امنیتی و اقتصادی آنها با آمریکا به شدت گسترده شده است.

۴- کشورهای مزبور به طور مستقیم یا غیرمستقیم، سیاست‌های نفتی خود را طوری تنظیم می‌کنند تا با منافع و ملاحظات نفتی و سیاسی آمریکا تضاد چندانی نداشته باشد.

۵- با فروپاشی شوروی همزمان با جنگ نفت «خلیج فارس» آمریکا فرصت یافت که حضور سیاسی و نظامی خود را در این منطقه حیاتی نفتی رسمیت و تداوم دهد.

۶- آمریکا در برخورد با ایران، همواره به اشکال مختلف از تحریم نفت به عنوان یک اهرم اساسی استفاده کرده است و پس از جنگ نفت ۱۹۹۱ خلیج فارس نیز، از یک سو خرید نفت ایران تحریم شد و از سوی دیگر سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف صنعت نفت ایران تحریم گردید.

۷- با تضعیف اوپک و انزوا و ایران و فروپاشی شوروی و حضور و سلطه آمریکا بر نفت، به نظر می‌رسد که در ورود به قرن ۲۱ و در نظام چند قطبی اقتصادی جهان، آمریکا با استفاده از اهرم نفت بتواند رقبایی چون ژاپن، چین و آسیای جنوب شرقی، و اروپای متحد را کنترل کند.

ارتباط و اتحاد این بلوکها با ایران و کشورهای نفتی خلیج فارس و اوپک به عنوان رقبای اقتصادی و آتی آمریکا می‌تواند برای هر دو طرف نوبدبخش تداوم توسعه و استقلال باشد.

جمعیتی عمدتاً مسلمان و قلب این مرکز ایران است که فاصله خزر تا خلیج فارس را در اختیار دارد. در معادله قدرت قرن بیست و یکم و برای تضمین سهم شایسته‌ای از انرژی و تداوم رشد و رفاه، دولت‌ها و قدرت‌ها مایلند با مرکز انرژی جهان، به خصوص قلب انرژی، رابطه داشته باشند و این امر می‌تواند سبب مهم‌ترین فرصت‌ها و تهدیدها برای ایران، منطقه و اوپک باشد. بنابراین شایسته است که در کنفرانس سران اوپک، فرصت‌ها و تهدیدهای نفت و قلب انرژی جهان به طور «وسیع، عمیق و دقیق» مورد تحقیق، تبلیغ و تصمیم‌گیری قرار گیرد.

۳- نفت و اسلام: فرصتها و تهدیدها

۲۰ سال پیش در قلب انرژی جهان، انقلاب اسلامی اتفاق افتاد و فوری‌ترین اثر آن شوک دوم نفتی بود. این انقلاب سبب پیوند هرچه بیشتر نفت و اسلام سیاسی و حکومتی گردید. اسلام به عنوان هدف، و نفت به عنوان «وسیله و قدرت» برای تحقق اهداف انقلاب بود. بنابراین، اسلام و نفت مبدل به یکی از بزرگ‌ترین عوامل فرصت و تهدید در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی شدند.

شعار احیا و اتحاد اسلام فرصتی بود که می‌توانست مسلمانان را مبدل به یک قدرت واحد و تعیین کننده نماید و این امر می‌توانست یکی از تهدیدهای مهم برای نظام بین‌المللی باشد.

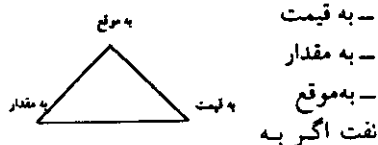
قرائت‌های مختلف از اسلام در سطح ملی و منطقه‌ای نیز می‌توانست یکی از مهمترین تهدیدها برای جهان اسلام بوده و سبب تفرقه و تشتت در بین مسلمین شود و مخالفان و رقبا به شکل‌های مختلف از آن بهره ببرند.

نفت و درآمدهای نفتی مهم‌ترین فرصت برای توسعه و نوسازی صنعت و اقتصاد کشورهای نفت‌خیز جهان سوم و جهان اسلام بود و اهداف مشترک نفتی می‌توانست از مهمترین زمینه‌های همگرایی این کشورها باشد. نفت از مهم‌ترین عوامل تهدید این کشورها بود زیرا:

الف- افزایش وابستگی حکومت و اقتصاد این کشورها به نفت، آنها را از نظر اقتصادی و سیاسی به شدت آسیب‌پذیر و مصرفی کرده است.

ب- رقابت و تنازع برای کسب سهم بیشتر از تولید و بازار موجب تنش و تفرقه بین این کشورها بوده است. یکی از دستاویزهای عراق

عرصه نفت خواهد بود:



«قیمت» مناسب فروش رود، اعضای اوپک می‌توانند با درآمد حاصله به اقتصاد خود از نظر امور جاری و زیربنایی سر و سامان بدهند. در عین حال برای نگهداری و توسعه صنایع نفت و تأمین نیازهای مصرف‌کنندگان از این درآمد استفاده کنند. مصرف‌کنندگان و واردکنندگان نفت نیز متناسب با شرایط خود، دامنه خاصی از نوسان قیمت را مناسب می‌دانند.

نفت اگر به مقدار مناسب تولید و صادر شود تعادل و بهره‌وری خواهد داشت، اوپک ۸۰ درصد ذخایر و ۴۵ درصد ظرفیت تولید را داراست، اما سهم این سازمان از تولید فقط حدود ۳۳ درصد می‌باشد. این آمارها و متغیرها، نشان از عدم تعادل در ساختار نفت است و از زمینه‌های مستمر و بالقوه بحران نفتی می‌باشد. این واقعت می‌توان نشان‌دهنده دخالت منافع و ملاحظات سیاسی و اقتصادی جهان صنعتی در تحمیل چنین سهمیه‌ای به اوپک باشد. در حالی که ایران ۱۰ درصد ذخایر جهانی نفت را داراست، سهمش از تولید جهانی حدود ۴ درصد می‌باشد، اما دریای شمال در اروپا با حدود ۱ درصد ذخایر جهانی قریب ۱۰ درصد تولید جهان را به خود اختصاص داده است. نفت باید به مقداری تولید شود که ضمن حفظ سهمی برای آیندگان و کاهش آلودگی محیط‌زیست، درآمدی شایسته فراهم کند. نفت به مقداری باید تولید شود که بالنسبه با نیازهای مصرف‌کنندگان متناسب باشد. نفت باید به موقع تولید و صادر شود. تولید و مصرف نفت مستلزم برنامه‌ریزی و زمان‌بندی دقیقی است. نفت باید در زمانی تولید شود که نیازهای انرژی مصرف‌کنندگان را به موقع برآورد کرده و به موقع نیازهای مالی و انرژی صادرکنندگان را تأمین نماید.

در این مختصر، سابقه و چشم‌اندازهای آتی نفت و اوپک اجمالاً تشریح شد و اینک دومین اجلاس سران اوپک تا چند ماه دیگر در پیش رو است. چنین عرصه خطیری اقتضا می‌کند تا همه صاحب‌نظران و رسانه‌ها قدم پیش گذاشته و با «تحقیقات و تبلیغات» خود دستمایه‌هایی برای حضور شایسته تصمیم‌گیرندگان و مسئولان و بهره‌برداری از فرصت اجلاس فراهم کنند.

اوپک ۸۰ درصد ذخایر و ۴۵ درصد ظرفیت تولید جهان را داراست اما سهم این سازمان از تولید

فقط حدود ۳۳ درصد است

برای حمله به کویت و ایجاد این همه خسارت و وابستگی، تخلف کویت از سهمیه تولید اوپک بود.

ج- افزایش آمار ذخایر طبیعی نفت برای احراز جایگاه بالاتری در قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی نیز از عوامل مهم تنش و تفرقه اعضا بوده است. برای مثال، یکی از انگیزه‌های عراق در حمله به ایران و کویت تصاحب مناطق نفتی این دو کشور بود. در طی این دو جنگ، آنچه را که کشورهای نفت‌خیز منطقه از شوک اول و دوم و در دو دهه کسب کرده بودند، هزینه کردند.

د- ظرفیت عظیم نفتی این کشورها و نیاز حیاتی جهان صنعتی به این ماده می‌تواند انگیزه‌ای برای قدرت‌های بزرگ باشد که به انحاء مختلف در این منطقه حضور و نفوذ داشته باشند. چنانکه آمریکا در پی جنگ نفت خلیج فارس حضور و نفوذ نظامی، سیاسی، اقتصادی وسیعی در منطقه به دست آورده است. در کنفرانس سران اوپک، باید تصویری منطقی از رابطه نفت و اسلام ارایه شده و رهنمودهایی شایسته از چگونگی تلفیق این دو به عنوان فرصتی برای همه جهان، جهت تحقق رشد و رفاه و صلح و امنیت ارایه شود. باید توجه داشت از ۱۱ عضو اوپک ۹ کشور کاملاً جزو جهان اسلام بوده و نیجریه نیز اکثریتی مسلمان دارد و فقط ونزولا کشوری غیر اسلامی است.

۴- نفت و مثلث تعادل و بهره‌وری در اوپک

تولید و مصرف نفت اگر با صفات و شروط زیر صورت بگیرد، ساختار جهانی نفت در حد مطلوبی از تعادل و بهره‌وری برای همه بازیگران